

مقایسه کنید

این نکته را نباید فراموش کرد که در ترجمه و انتخاب آن، سلیقه شخصی نیز دخیل است و نمی‌توان انکار کرد که هرکس با توجه به ذوق و سلیقه خود دست به گزینش می‌زند و اثری را می‌پسندد و دیگری را رد می‌کند. به همین منظور، بخشی از یکی از خطبه‌های نهج البلاغه را در چند ترجمه با هم مرور می‌کنیم تا فضای ذهن‌مان روشن‌تر شود. برای مثال در بخشی از خطبه ۶۲ (در نکوهش اهل دنیا) به نقل از امیرالمومنین علی (ع) در ترجمه سیدعلی موسوی گرمارودی می‌خوانیم: «این جهان در چشم خردمندان چون حرکت سایه است؛ همان‌دم که آن‌را گسترده می‌بینی، روی در جمع شدن دارد و همان‌گاه که در فزونی است رو به کاستی می‌نهد.»

جناب شیخ حسین انصاریان یکی دیگر از کسانی است که این کتاب را ترجمه کرده، در ترجمه او از این بخش، آمده: «دنیا در دید خردمندان همانند سایه در حال برگشت است، به وقتی که آن را در حال گسترش می‌بینی جمع می‌شود و وقتی که رو به افزایش می‌نگری رو به کاهش می‌رود.»

مرحوم سیدجعفر شهیدی که اغلب ترجمه‌ها را از این کتاب، بهترین ترجمه می‌دانند این بخش را این‌گونه ترجمه کرده است: «دنیا در دیده صاحب‌خردان، چون سایه پس از زوال است که گسترده نشده در هم رود و افزون نشده کاهش یابد.»

مرحوم علامه محمدتقی جعفری که شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته‌اند در ترجمه این بخش از خطبه آورده‌اند: «این دنیا در نظر کسانی که دارای خرد هستند، مانند سایه در حال برگشت است در همان هنگام که آن را در حال گسترش می‌بینی، رو به جمع شدن و زوال است و در همان هنگام که آن‌را رو به افزایش می‌بینی رو به نقص و کاهش است.»

زنده‌یاد محمد دشتی نیز در ترجمه این خطبه آورده: «دنیا در نظر خردمندان چونان سایه‌ای است که هنوز گسترش نیافته، کوتاه می‌گردد و هنوز فزونی نیافته کاهش می‌یابد.»

نویسنده:

سید رضی

مترجم:

سیدعلی موسوی

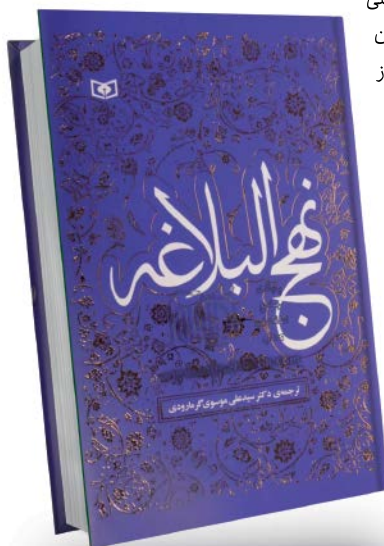
گرمارودی

انتشارات:

قدیانی

۱۳۲۸ صفحه

۱۵۰۰۰۰ تومان



در هشتادمین سالگرد تولد استاد موسوی گرمارودی

ترجمه ایشان از نهج البلاغه را بخوانیم

ترجمان کلام امیر



حسام آبتوس

دبیر قفسه کتاب

۳۰ فروردین ۸۰ ساله شدند. بی‌هیاهو. مثل خودشان. همیشه متواضع. همیشه ساکت و آرام. حتی باید گفت گریزان از جنجال و اظهارنظرهای بی‌پایه و اساس. اگر اهل میدان‌داری و فعالیت در حاشیه فرهنگ بود امروز بیش از این‌ها شناخته‌شده بود و دیگر نیازی

نبود قلمی چون صاحب این مطلب درباره‌شان مطلبی بنویسد و حرفی بزند.

سیدعلی موسوی گرمارودی را می‌گویم، نامی که باید ابتدایش یک عبارت «استاد» هم قرار داد تا کمی از حق زحمت و تلاش ایشان به فرهنگ و ادب فارسی ادا شود. استاد به معنای واقعی کلمه و نه از این استادهایی که هیاهو کردن را این روزها خوب بلدند. او افتادگی را استادی می‌کند و هرچه دارد از همین افتادگی و تواضع است هرچند در میان اهل هیاهو نامی از او برده نشود و کسی یادش نکند. یا مثل برخی استادان این روزها مشغول اینستاگرام بازی نیست که انگار هرکس اینستاگرام و امثالهم را نداشته باشد از دایره خارج است. ولی موسوی گرمارودی با این چندروزه دنیاکاری ندارد و کارهایی که انجام داده نام او را رفیع‌تر از این خواهد کرد.

اشعار عاشورایی او را بگویم یا ترجمه‌اش از قرآن کریم یا فعالیت فرهنگی و ... را؟ که هر کدام از اینها فصلی بلند می‌طلبند و باید اهل بود تا بتوان نوشت. اهل شعر و عاشورا و انس با متون قدسی و آسمانی تا بتوان درباره آنها نظر داد و حق کار استاد موسوی گرمارودی را ادا کرد. او که در سایه‌سار نخل ولایت جا گرفته در شعر آیینی چراغی است پیش روی جوان‌ترها، چه از حیث زبان و چه از حیث فن شاعری! اما بهانه‌ای که در سالگرد تولد این استاد یادی از او کردیم بی‌مناسبت با ماهی که در آن قرار داریم نیست. ماه مبارک رمضان که در آن مولای متقیان به شهادت رسیدند فرصت خوبی است تا اگر دلتان می‌خواهد نهج البلاغه بخوانید سراغ این کتاب شریف و ارزشمند بروید. کتابی که گزینش سخنان شیوا و ادبی امیرالمومنین علی (ع) است که سیدرضی آن را گزینش کرده و عباراتی حکمت‌آمیز از کلمات و جملات منصوب به امیرکلام را در کنار هم قرار داده است. کتابی که در این روزگار خواندن آن از بسیاری از کتب دیگر سودمندتر است و می‌تواند دریچه‌ای تازه بر جهان فکر و ذهن مخاطب باز کند. کتابی که شاید به خاطر تکرارش در رسانه‌ها به نظر بیاید ما از محتوایش مطلعیم ولی کافی است یک مرتبه باز کنیم تا متوجه شویم چیز زیادی از آن نمی‌دانیم و از محتوای آن هم اطلاع کافی نداریم.

حالا با این مقدمه می‌خواستم بگویم اگر خواستید در این ماه یا هر زمان دیگری ترجمه‌ای از این کتاب شریف بروید

بد نیست گوشه ذهن‌تان ترجمه استاد موسوی گرمارودی را به خاطر داشته باشید. کتابی که گفته می‌شود بیش از ۴۰ ترجمه از آن به زبان فارسی صورت گرفته و این نشان از اهمیت جایگاه این اثر میان فارسی‌زبانان دارد؛ علاوه بر این باید شروخی که بر این کتاب نوشته شده را نیز لحاظ کرد که در اینجا حرف از ترجمه این کتاب بزرگ است.

ترجمه‌ای که در آن زبان به غایت فخامت و عظمت دارد و خواننده در خواندن نثر کتاب با مشکلی که اغلب در مواجهه با متون کهن مواجه می‌شود، روبه‌رو نیست. به عبارتی باید گفت موسوی گرمارودی در حالی که زبانی فخم و پاکیزه و نزدیک به متون کلاسیک را برای ترجمه‌اش برگزیده و ارائه کرده ولی شیوایی را فدای دشواری و پیچیدگی و سخت‌خوانی نکرده و تلاش کرده طوری دست به ترجمه بزند که بلاغت و شیوایی در ترجمه‌اش منعکس شود و در عین حال هر خواننده‌ای بتواند با آن ارتباط برقرار کند. برای همین با خیال راحت می‌توانید ترجمه سیدعلی موسوی گرمارودی را از این کتاب مهم فرهنگ شیعی تهیه کنید، ترجمه‌ای که به گواه مقدمه آقای گرمارودی بر این کتاب قریب به هفت سال برایش زمان صرف کرده تا اثری یکدست و درخور شأن نام صاحب کتاب به مخاطب ارائه کند.

هر خواننده‌ای در اولین مواجهه مسحور ترجمه آن می‌شود زیرا موسوی گرمارودی به قدری رسا به انتقال پیام کلام مولای متقیان دست زده که خواننده نیازی به متن اضافی پیدا نمی‌کند، هرچند پانویشت‌های این کتاب خود بخش مفصلی دارد که برای هر خواننده‌ای کاربرد دارد، حتی مترجم وقتی معنایی غیر از آنچه در کلام امیرالمومنین علی (ع) بوده را در متنش آورده، در پانویشت توضیح داده معنای عبارت یا کلام چه بوده و این جایگزین برای مخاطب فارسی بهتر معنا می‌دهد و به این خاطر انتخاب شده است.

در هشتادمین سالگرد تولد سیدعلی موسوی گرمارودی خواندن ترجمه‌ای که به گواه بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران ترجمه‌ای از هر نظر ارزشمند است، می‌تواند هدیه خوبی به این مترجم و شاعر انقلاب باشد. ترجمه‌ای که پیام کلام مولا را به مخاطب به بهترین شکل منتقل می‌کند. این در حالی است که ترجمه‌های او از قرآن کریم و صحیفه سجادیه نیز چندان شناخته‌نشده هرچند به نظر می‌آید او با کسی دیگر معامله کرده است.